

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام)

سیدمصطفی میرمحمدی

عضو هیئت علمی پژوهشی دانشگاه مفید

چکیده

پدیده نامیمون جنگ همه حقوق کودکان از جمله حق حیات، حق زندگی در کنار خانواده، حق بهداشت، حق پیشرفت و تحصیل کودکان را نقض و تهدید می‌کند. مطابق گزارش‌های جدید مجامع بین‌المللی، سربازگیری اجباری و مشارکت دادن مستقیم کودکان در درگیری‌ها، کشتن و نقص عضو، هجوم به مدارس و بیمارستان‌ها، ربودن، تجاوز و خشونت جنسی و محروم کردن از دسترسی به کمک‌های انسان دوستانه، شش مورد از خشونت‌هایی است که در درگیری‌های مسلحانه علیه کودکان اعمال می‌شود.

مقاله حاضر با ملاحظه گزارش‌های جدید و در یک مطالعه تطبیقی طی سه گفتار، رویافت‌های بین‌المللی و اسلامی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را بررسی و تحلیل خواهد کرد. حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو، از کودکان حمایت‌های عام و خاص به عمل می‌آورند و بهترین منفعت کودکان و بزرگسالان را باید در کاستن از تسلیحات کوچک و بزرگ جست‌وجو کرد. واژگان کلیدی: حقوق کودکان؛ حقوق بشر دوستانه؛ مخاصمات مسلحانه؛ حقوق اسلام.

مقدمه

با آنکه از نیمه دوم قرن بیستم، تلاش شده است تا صلح و امنیت پس از دو جنگ خانمان‌سوز بر جهان حاکم گردد؛ با این وجود، بشر با جنگ وارد هزاره سوم شده است. هر چند هم اکنون هیچ جنگ بین‌المللی وجود ندارد ولی در سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ میلادی نزدیک به ۵۶ مخاصمه داخلی و غیر بین‌المللی صورت گرفته است. اکنون نیز در نزدیک به ۳۰ منطقه از جهان درگیری‌های مسلحانه داخلی وجود دارد که آثار مستقیم و غیر مستقیم آن بر اقتصاد، امنیت، سلامت و بهداشت انسان‌ها به‌ویژه کودکان، انکارناشدنی است. جنگ‌ها به‌طور طبیعی با خود زیان‌های مادی، انسانی، اخلاقی و فرهنگی فراوانی به بار می‌آورند و در مورد کودکان بی‌هیچ تردیدی همه حقوق آنان را هدف قرار می‌دهند؛ از جمله: حق حیات، حق بودن با خانواده و اجتماع، حق بهداشت، حق پیشرفت و تحصیل، حق بی‌طرف ماندن و تحت حمایت بودن (Machel, 1996: 30).

تلفات غیر نظامیان در جنگ‌های گذشته کمتر از جنگ‌های کنونی بوده است. میزان تلفات

غیرنظامیان را در جنگ جهانی نخست بین ۵ تا ۸ درصد و در جنگ جهانی دوم تا ۵۰ درصد برآورد کرده‌اند. اما این رقم اکنون، به ۹۰ درصد رسیده است (Harvey, 2003:5). مهندسی سلاح‌های جدید همان‌گونه که میزان امنیت کاربران را بالا برده است، بر تلفات، زیان‌ها و صدمات طولانی مدت وارد بر غیرنظامیان نیز افزوده است. در جنگ‌های امروزی رعایت اصل تفکیک، میان نظامیان و غیرنظامیان نسبت به جنگ‌های گذشته پیچیده و دشوارتر شده است. این وضعیت یکی از چالش‌های جدی پیش روی حقوق بشر دوستانه و صلیب سرخ جهانی است. از تاکتیک زمین سوخته گرفته تا تجاوز به عنف، مسموم کردن چاه‌های آب، تخریب باغات و مزارع، پاک‌سازی قومی و کشتار جمعی، هجوم به آموزشگاه‌ها و آموزگاران، جلوگیری از رسیدن کمک به آسیب‌دیدگان و نیازمندان، در منازعات مسلحانه جدید دیده می‌شود و به طرز بی‌سابقه‌ای زنان و کودکان در نبردها، هدف بی‌رحمی‌ها و خشونت قرار می‌گیرند (Machel, 1996:24).

بنابر جدیدترین آمار یونیسف، حدود ۲۰ میلیون کودک به دلیل جنگ و یا نقض حقوق بشر، مجبور به ترک وطن خود شده‌اند و به عنوان پناهنده در کشورهای مجاور یا در مناطق مرزی زندگی می‌کنند. آنان گاه در مسیر جابجایی از خانواده‌های خود جدا شدند و مورد آزار جسمی قرار گرفتند و یا ربوده شده و در گروه‌های نظامی مورد سوء استفاده قرار گرفتند، یا در اثر گرسنگی جان باختند. در دهه گذشته حدود ۲ میلیون کودک در اثر جنگ کشته شدند و سه برابر آنان یعنی ۶ میلیون در اثر جراحات‌های وارده کاملاً ناتوان شده یا آسیب جدی دیده‌اند. حدود یک میلیون از آنان یتیم شده و خانواده خود را از دست داده‌اند. ۸ الی ۱۰ هزار کودک در اثر انفجار مین‌های زمینی کشته و یا نقص عضو شده‌اند. حدود سیصد هزار کودک زیر ۱۸ سال از پسر و دختر، در ۳۰ درگیری موجود در مناطق مختلف جهان به عنوان سرباز به کار گرفته می‌شوند. از آنان به عنوان رزمنده، پیک، گزارشگر، باربر، آشپز و ارائه خدمات جنسی بهره‌کشی می‌کنند. برخی از آنان به اجبار و برخی در اثر فقر و تهی‌دستی و برخی دیگر برای انتقام از آنچه بر خود یا خانواده‌های آنان رفته است در این مسیر قرار گرفته‌اند.^۱

کودکان دختر، مورد خشونت‌های محلی، تجاوز به عنف و سوءاستفاده جنسی قرار گرفته و به فروش می‌رسند. طرف‌های درگیر از انواع خشونت علیه زنان و دختران، به عنوان استراتژی جنگ استفاده می‌کنند که نمونه‌های آن را در درگیری‌های یوگسلاوی سابق و رواندا می‌توان مشاهده کرد. جنگ آثار مستقیم و غیرمستقیم بر آینده کودکان به جای می‌گذارد. مرگ و میر ناشی از

جراحتهای وارده، سوء تغذیه، جابجایی جمعیت، آسیب دیدن سیستمهای آبرسانی سالم و بهداشتی ضایعات سنگینی به کودکان وارد می‌آورد. کودکانی که در جنگ شاهد کشتارهای بی‌رحمانه نزدیکان و خانواده خود باشند، سالهای پس از آن را با آسودگی سپری نمی‌کنند.

نخستین گزارش جهانی مربوط به تاثیرات جنگ بر کودکان توسط خانم «گراچا ماشل» کارشناس سازمان ملل، در سال ۱۹۹۶ تهیه شد. دومین گزارش پس از ۱۱ سال و اخیراً در دسامبر ۲۰۰۷ از سوی شورای امنیت و مجمع عمومی ملل متحد منتشر شد.^۲ هر دو گزارش به خوبی تاثیرات جنگ بر کودکان را نشان می‌دهند.

مقاله حاضر در سه گفتار به بررسی وضعیت حقوقی کودکان در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. در گفتار نخست مروری بر حقوق کودکان در اسناد حقوق بین‌الملل خواهیم داشت. گفتار دوم را به انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه با تکیه بر جدیدترین گزارشها اختصاص می‌دهیم و در گفتار سوم از رهیافت اسلامی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه سخن خواهیم گفت.

گفتار اول: حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه

اسناد متعددی در حقوق بین‌الملل از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه حمایت به عمل می‌آورد. این اسناد را می‌توان در دو حوزه حقوق بین‌الملل بشر دوستانه و حقوق بین‌الملل بشر جای داد. تا پیش از تصویب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، حقوق بشر دوستانه از کودکان در مخاصمات حمایت می‌کرده است.

بند اول: حقوق بین‌الملل بشر دوستانه

کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در موارد متعددی از کودکان حمایت به عمل آورده است که می‌توان آن را به طور کلی در دو دسته حمایت مستقیم و غیرمستقیم از کودکان دانست. پیش از تصویب پروتکلها مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۴، اعلامیه حمایت از زنان و کودکان را در وضعیتهای اضطراری و مخاصمات مسلحانه تصویب کرد. هرچند رعایت این قطعنامه در منازعات الزام‌آور نیست اما گام مثبتی در توجه به زنان و کودکان به عنوان قربانیان رفتار غیر انسانی و افزایش توجه به افراد آسیب پذیر در مخاصمات داخلی است (Harvey, 2003:9).

الف: حمایت عام: کودکان در معاهدات حقوق بشردوستانه علاوه بر آنکه اصولاً غیرنظامی‌اند و نباید به آنان تعرض شود؛ به دلیل آسیب‌پذیر بودن از حمایت برخوردارند.^۳ اساساً حقوق بشردوستانه، حقوق حمایتی است و به درستی «حمایت» قلب حقوق بشردوستانه است. حمایت عام یعنی افراد بدون توجه به خصوصیات فردی، شغلی، جنسی و نژادی از کلیه فعالیت‌های بشر دوستانه‌ای که به منظور حفاظت از جمعیت‌های غیر نظامی به عمل می‌آید برخوردار گردند.

ب: حمایت‌های خاص: علاوه بر حمایت عام، کودکان به دلیل آسیب‌پذیر بودن از حمایت خاص که جنبه تکمیلی و اضافی دارد برخوردار می‌گردند (مروت، ۱۳۸۵: ۱۴۵). به تصریح بند اول ماده ۷۷ پروتکل اول، کودکان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هر شکل از حمله غیرمحرمانه حمایت شوند. طرف‌های مخاصمه مراقبت و کمکی که کودکان خواه به علت سن و یا به هر علت دیگر به آن نیاز دارند، برای آنان فراهم نمایند. هدف حمایت خاص از کودکان در اسناد حقوق بشردوستانه مصون داشتن و حفظ آنان از ایراد هرگونه زیان‌های روحی و جسمی است. اصولاً درباره اشخاص تحت حمایت حقوق بشردوستانه، همان مقررات خاص رفتار با بیگانگان در زمان صلح اعمال خواهد شد. بر همین اساس کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار و مادران اطفال کمتر از ۷ سال از هرگونه رفتار ممتاز به میزان اتباع دولت مربوطه، برخوردارند.^۴ به‌علاوه چنانچه در موارد استثنایی کودکان با کمتر از ۱۵ سال سن، به طور مستقیم در مخاصمات شرکت کنند و در اختیار طرف مخالف قرار گیرند، خواه اسیر جنگی باشند یا خیر، از حمایت خاص برخوردارند.^۵ این حمایت‌ها را در موارد زیر می‌توان برشمرد:

۱- تخلیه کودکان و تاسیس مناطق ویژه (پناهگاه): دولت‌ها در زمان صلح و دول متخاصم پس از شروع جنگ می‌توانند در خاک خود و در صورت لزوم در اراضی اشغالی مناطق امن و نقاط بهداری ایجاد کنند تا زخمیان، بیماران، معلولان، پیران و کودکان کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار و مادران کودکان کمتر از ۷ سال را از تاثیرات جنگ محفوظ دارند. همچنین دول متخاصم تلاش می‌کنند برای تخلیه بیماران و زخمیان و معلولان و پیران و زنان تازه‌زا از نواحی محاصره شده و...، به مقصد مناطق امن، توافقات محلی بین خود منعقد کنند.^۶

مطابق ماده ۴۹ (۳) کنوانسیون چهارم، دولت اشغالگر هنگام انتقال و یا تخلیه کودکان باید به گونه‌ای اقدام کند تا حتی الامکان کودکان در موسسات مناسب پذیرفته شوند و از جهت سلامت، بهداشت، امنیت و تغذیه در شرایط رضایت بخش باشند و اعضای یک خانواده از

همدیگر جدا نباشند. همچنین بر اساس مفهوم بند ۲ ماده ۵۱ کنوانسیون چهارم، به کارگیری اجباری افراد زیر ۱۸ سال توسط دولت اشغالگر ممنوع است و نمی‌توان آنان را به هیچ کاری که مستلزم شرکت در عملیات جنگی باشد وادار ساخت.^۸

دولت متخاصم تلاش خواهند کرد در دوره مخاصمات، موافقت‌نامه‌هایی برای آزادی و بازگشت به میهن و محل اقامت یا بستری شدن در بیمارستان در یک کشور بی‌طرف نسبت به بعضی طبقات بازداشتیان به‌ویژه کودکان و زنان باردار و مادران اطفال شیرخوار و اطفال کوچک و... منعقد سازند.^۹ هر گونه انتقال کودکان به یک کشور خارجی ممنوع است مگر دلایل اضطراری یا سلامتی و امنیت، چنین انتقالی را ایجاب نماید. در این وضعیت نیز باید انتقال به نحوی صورت گیرد که کمترین مخاطره برای کودکان داشته و امکانات لازم برای تحصیل از جمله آموزش مذهبی و اخلاقی وی، طبق خواسته والدین، در مدت دوری از وطن فراهم گردد. به منظور تسهیل بازگشت این دسته از کودکان به خانواده‌ها و میهن خود، انتقال‌دهندگان، برای هر کودک در صورتی که خطر یا صدمه‌ای متوجه کودک نگردد، کارتی صادر می‌کنند که علاوه بر نام و نام خانوادگی کودک، مشخصات دیگری؛ مانند: جنسیت، محل و تاریخ تولد، نام کامل پدر و مادر، تابعیت، زبان مادری و زبان‌های دیگری که به آنها تکلم می‌کند، نشانی خانواده، وضع سلامتی، گروه خونی، هر گونه ویژگی‌های مشخصه، تاریخ و محل یافتن، زمان و محل ترک کشور و دین کودک در آن درج می‌گردد.^{۱۰}

همچنین در جهت حمایت مستقیم از کودکان و مادران آنها دولت‌ها متعهد شدند در شرایط مخاصماتی، آزادی عبور هرگونه محموله‌های خواروبار ضروری، پوشاک و مواد مقوی مخصوص کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار یا تازه‌زا را فراهم کنند. البته این اجازه مشروط به آن است که محموله‌های مزبور از مقصد خود منحرف نشوند و یا استفاده مشهودی از آنها در جهت مساعی نظامی یا اقتصادی صورت نگیرد. همچنین زنان باردار و تازه‌زا و اطفال کمتر از پانزده سال، اضافه غذایی متناسب با نیازهای بدنی خود دریافت خواهند کرد.^{۱۱} در توزیع محموله‌های امدادی، خردسالان، مادران باردار، زنان درحال زایمان و مادران شیرده در اولویت خواهند بود.^{۱۲}

۲- شناسایی، تعیین هویت و بازگشت به خانواده: دولت متخاصم متعهدند، اقدامات لازم را معمول دارند تا کودکان کمتر از ۱۵ سال که در اثر جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شدند، به حال خود رها نگردند و در نگهداری و اجرای مذهب و آموزش آنان تسهیل شود. آنها تلاش خواهند

کرد تشخیص هویت همه کودکان کمتر از ۱۲ سال به وسیله حمل یک پلاک هویت یا به هر وسیله دیگر مقدور باشد.^{۱۳} همچنین دولت اشغالگر با کمک مقامات ملی و محلی، حسن اداره موسسات پرستاری و تربیت کودکان را تسهیل خواهد کرد و هرگونه اقدام لازم برای تعیین هویت کودکان و ثبت نسب آنها به عمل خواهد آورد. در هیچ حال، نمی‌توان وضعیت شخصی آنها را تغییر داد یا آنها را در تشکیلات و سازمان‌های تابعه خود وارد کرد.^{۱۴}

اعضای یک خانواده بازداشت شده، مخصوصاً پدر و مادر و کودکانشان، در یک محل با هم خواهند بود؛ مگر دلایلی چون سلامت، جدایی میان آنان را به صورت موقت ضروری سازد. دولت‌ها متعهد شدند تا به هر طریق ممکن، به هم پیوستن مجدد خانواده‌هایی که بر اثر مخاصمات مسلحانه از یکدیگر جدا شدند تسهیل کنند.^{۱۵}

۳- آموزش و محیط فرهنگی: مطابق ماده ۹۴ کنوانسیون چهارم، دولت بازداشت‌کننده فعالیت‌های فکری، آموزشی، تفریحی و ورزشی بازداشت‌شده‌ها را تشویق خواهد کرد و آنان را برای شرکت در این‌گونه فعالیت‌ها آزاد خواهد گذاشت؛ در تأمین این قبیل فعالیت‌ها اقدامات لازم را به عمل خواهد آورد، به‌ویژه اماکن مناسب در اختیار آنان خواهد گذاشت؛ آموزش کودکان و نوجوانان تأمین خواهد شد و آنان خواهند توانست در داخل یا خارج محل بازداشت، به مدرسه بروند و از محل‌های مخصوص برای ورزش برخوردار شوند؛ کودکان باید تحت تعلیم و تربیت مشتمل بر تعلیم و تربیت مذهبی و اخلاقی به صورتی که والدین - و در صورت فقدان والدین - سرپرستان آنها مایل اند، قرار گیرند.^{۱۶}

۴- ممنوعیت مجازات اعدام برای کودکان و مادران باردار: مجازات اعدام نباید نسبت به اشخاصی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال دارند و زنان باردار یا مادران کودکان خردسال اجرا شود. طرف‌های مخاصمه تا بالاترین حد ممکن، اهتمام خواهند نمود که از صدور حکم اعدام در مورد زنان باردار یا مادران دارای فرزندان وابسته به آنان، به دلیل جرائم مربوط به مخاصمه مسلحانه، خودداری شود.^{۱۷}

بند دوم: حقوق بین‌الملل بشر

الف) کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و پروتکل دوم ۲۰۰۰: مطابق بندهای چهارگانه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها باید قواعد حقوق بشردوستانه را درباره کودکان رعایت نمایند، همه

اقدامات ممکن را در مشارکت نکردن مستقیم کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات به عمل آورند، در سنین ۱۵ تا ۱۸ اولویت را برای سن بالاتر در نظر گیرند و همه اقدامات ممکن را در مراقبت از کودکانی که از مناقشات مسلحانه آسیب می‌بینند به عمل آورند. همچنین ماده ۳۹ از دولت‌ها می‌خواهد تا در بازپروری سریع کودکان قربانی از جمله قربانیان مخاصمات مسلحانه تسریع نمایند.

در پروتکل اختیاری مربوط به درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه ۲۰۰۰، محدودیت‌های بیشتری برای مشارکت کودکان در مخاصمات منظور شده است. مطابق ماده دوم این پروتکل، دول عضو متعهد شدند افراد زیر سن ۱۸ سال را به خدمت سربازی در نیروهای مسلح در نیاورند و مطابق ماده سوم، حداقل سن سربازگیری داوطلبانه یعنی ۱۵ سال را افزایش دهند و بپذیرند که افراد زیر سن ۱۸ سال از حمایت ویژه برخوردارند. همچنین مطابق ماده چهار، گروه‌های مسلح، متمایز از نیروهای مسلح کشور عضو، نباید تحت هیچ شرایطی به سربازگیری و یا استفاده از افراد زیر ۱۸ سال در مناقشات اقدام نمایند. دول عضو باید اقدامات مناسب قانونی را در ممنوعیت و مجازات چنین رفتارهایی به عمل آورند.

ب) از اجلاس سران جهان ۱۹۹۰ تا آخرین گزارش جهانی ۲۰۰۷: علاوه بر دو ماده ۳۷ و ۳۸ کنوانسیون ۱۹۸۹، تلاش‌های دیگری در حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه انجام گرفته است که مروری بر آنها خالی از فایده نیست.

سران جهان، در اجلاس سپتامبر ۱۹۹۰، در میان ۲۷ هدف مربوط به بقاء، بهداشت، تغذیه، آموزش و حمایت از کودکان، بر حمایت از آنان در برابر تأثیرات جنگ و توجه به نیازهای اساسی آنان در نواحی آسیب دیده و تاسیس مراکز امن تأکید کردند (Hodgkin & Newell, 2002: 576). نخستین گزارش مربوط به تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان، در سپتامبر ۱۹۹۶ توسط خانم «گارسا ماشل» به مجمع عمومی ارائه شد. در فوریه ۱۹۹۷ مجمع عمومی با تصویب قطعنامه‌ای^{۱۸} به دبیر کل توصیه می‌کند تا نماینده ویژه‌ای درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه برگزیند. متعاقب آن «اولارا اوتونو»^{۱۹} به این سمت برگزیده می‌شود. وی در سال ۱۹۹۸ گزارش کوتاه غیررسمی به شورای امنیت ارائه می‌دهد. برای نخستین بار در همین سال موضوع کودکان و مخاصمات مسلحانه در دستور شورای امنیت قرار می‌گیرد و منجر به صدور بیانیه رئیس شورا می‌شود.

شورای امنیت نخستین قطعنامه خود را درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه در اوت ۱۹۹۹ با شماره ۱۲۶۱ تصویب می‌کند. این قطعنامه نگرانی عمیق خود را از تأثیر زیان‌بار و گسترده

مخاصمات مسلحانه بر کودکان و پی آمدهای درازمدت آن بر توسعه، صلح و امنیت بادوام گوشزد می‌کند.^{۲۰} در ژوئن همین سال، مقاله نامه ۱۸۲ از سوی سازمان بین‌المللی کار تصویب می‌شود. مطابق ماده سه این مقاله نامه، سربازگیری اجباری از کودکان و استفاده از آنان در مخاصمات مسلحانه یکی از بدترین اشکال کار کودکان اعلام شد.^{۲۱}

در ۲۵ می ۲۰۰۰، مجمع عمومی پروتکل دوم اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره سربازگیری کودکان را به تصویب می‌رساند، که در باره آن پیشتر سخن گفتیم. در ماه اوت همین سال، دومین قطعنامه شورای امنیت با شماره ۱۳۱۴ صادر می‌شود. این قطعنامه اعلام می‌دارد، نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در ارتباط با کودکان می‌تواند تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی باشد. بدین منظور شورا آمادگی خود را برای ملاحظه چنین وضعیت و در صورت ضرورت، برداشتن گام‌های بیشتر اعلام می‌دارد.^{۲۲}

در نوامبر ۲۰۰۱، سومین قطعنامه شورای امنیت طی شماره ۱۳۷۹ به تصویب می‌رسد و در آن ضمن تکرار نگرانی خود در خصوص تأثیر مناقشات مسلحانه بر کودکان، از دبیر کل می‌خواهد تا در گزارش خود فهرست طرف‌های درگیر در مخاصمات را که از کودکان به عنوان سرباز استفاده می‌کنند یا آنان را در وضعیت‌هایی قرار می‌دهند که در دستور شورای امنیت قرار دارد و یا مطابق ماده ۹۹ منشور ملل متحد توجه شورا باید به آن جلب شود، ضمیمه گردد.^{۲۳}

در فوریه ۲۰۰۲، پروتکل دوم کنوانسیون حقوق کودک در مورد به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه لازم الاجرا می‌شود. در مارس ۲۰۰۳، دیوان کیفری بین‌المللی تأسیس می‌شود و مطابق بند دوم ماده ۸، اساسنامه بکارگیری کودکان زیر ۱۵ سال در جنگ‌های بین‌المللی یا غیر بین‌المللی و یا بکارگیری آنان از سوی گروه‌های مسلح در زمره جنایت جنگی است. حملات عمدی به بیمارستان‌ها و مدارس، تجاوز جنسی و دیگر خشونت‌های جنسی علیه کودکان، جنایت جنگی محسوب می‌شود و دیوان در رسیدگی به این گونه جرائم صلاحیت دارد. بر اساس صلاحیت تکمیلی دیوان، کشورها یا مرتکبان این گونه جنایات را محاکمه می‌کنند و اگر نخواهند و یا نتوانند محاکمه کنند؛ صلاحیت دیوان محفوظ است.

ژانویه ۲۰۰۳، چهارمین قطعنامه شورای امنیت با شماره ۱۴۶۰ تصویب و از دبیر کل می‌خواهد در باره حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه گزارش ویژه‌ای تهیه نماید. در آوریل ۲۰۰۴، شورای امنیت پنجمین قطعنامه خود را با شماره ۱۵۳۹، درباره کودکان و مخاصمات

مسلحانه تصویب و از دبیرکل می‌خواهد تا فوراً برنامه عمل جامع و ساز و کار نظارتی درباره به کارگیری و سربازگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و تأثیرات ناشی از به کارگیری آنان در مخاصمات تهیه نماید. ژوئیه ۲۰۰۵، شورا ششمین قطعنامه خود را با شماره ۱۲۱۶ در خصوص ساز و کار نظارت و گزارش‌دهی درباره کودکان و مخاصمات مسلحانه تصویب می‌کند و گروه کاری بدین منظور تشکیل می‌شود. در ۷ فوریه ۲۰۰۷، خانم «کماراسامی» به عنوان نماینده ویژه دبیرکل در امور کودکان و مخاصمات مسلحانه منصوب می‌شود و در دسامبر ۲۰۰۷، گزارش وی توسط مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر می‌شود. این گزارش جدیدترین سند در بیان وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه در سراسر جهان است. بررسی تفصیلی آن از عهده این مقاله بیرون است ولی به دلیل اهمیت آن گفتار بعد را با تکیه بر این گزارش پی می‌گیریم.

گفتار دوم: انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه

تاکنون دو گزارش مفصل خاص کودکان و مخاصمات مسلحانه از سوی سازمان ملل متحد تنظیم و منتشر شده است که به خوبی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مخاصمات مسلحانه را بر وضعیت و آینده کودکان نشان می‌دهد. گزارش نخست، در سال ۱۹۹۶ با عنوان «تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان» توسط خانم «گراچا ماشل» در ۳۱۷ بند تهیه شد که در زمان خود گزارشی جامع و همه جانبه بوده است.^{۲۴} گزارش دوم، پس از ۱۱ سال، در دسامبر ۲۰۰۷، در ۱۷۲ بند، از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت منتشر شده است. این گزارش را می‌توان آخرین وضعیت رعایت یا نقض حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه در نقاط مختلف جهان و تأثیرات آن بر زندگی حال و آینده کودکان دانست که در پی بیانیه ۲۹ ژوئن ۱۹۹۸ رئیس شورای امنیت و قطعنامه‌های شماره ۱۶۱۲ (۲۰۰۵)، ۱۳۷۹ (۲۰۰۱)، ۱۴۶۰ (۲۰۰۳) و ۱۵۳۹ (۲۰۰۴) شورای امنیت در خصوص اطلاعات درباره میزان رعایت کاهش سربازگیری کودکان یا استفاده از آنان در درگیری‌های مسلحانه و دیگر نقض‌های شدید حقوق کودکان در خلال منازعات مسلحانه نظیر کشتن، نقص عضو، تجاوز و خشونت‌های جنسی، ربودن، ممانعت از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به کودکان و حمله به مدارس و بیمارستان‌ها از سوی طرف‌های درگیر تنظیم شده است (Report 2007: Paras.6-7). از آنجا که این گزارش جدیدترین وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه را بیان می‌کند، در ادامه این گفتار، به ذکر نکات برجسته گزارش بسنده می‌کنیم.

بند اول: مسایل کلی نگران کننده

سربازگیری کودکان، یکی از بارزترین خشونت بزرگسالان علیه کودکان است. بسیاری از خانواده‌ها تنها راه فرار از به سربازی گرفتن کودکان خود را در انتقال آنان دیده‌اند. اما فقر خانواده‌ها باعث می‌شود گروه‌های شورشی و مسلح، کودکان را از اردوگاه‌های پناهندگان برای سربازی شکار کنند. این وضعیتی است که در مرزهای برخی از کشورها نظیر کلمبیا، چاد، سودان، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا و رواندا وجود داشته و دارد و کودکان در بدترین اشکال ممکن خرید و فروش می‌شوند (Ibid: Paras. 6-7).

تجاوز و خشونت جنسی علیه دختران و پسران به عنوان یک روش تحقیر کننده و یک سلاح جنگی علیه طرف مقابل در آمده است. ۶۰ درصد آسیب دیدگان این خشونت در «کیسانجانی» در جمهوری دموکراتیک کنگو، در سنین بین ۱۱ تا ۱۷ سال بودند. در عراق، اسرائیل، فیلیپین و... کودکان به ظن ارتباط با گروه‌های مسلح بازداشت می‌شوند و انواع بد رفتاری، شکنجه، اعترافات اجباری، محرومیت از غذا و تحصیل نسبت به آنان اعمال می‌شود. در اغلب موارد در بازداشتگاه‌های بزرگسالان نگهداری می‌شوند و گاه به اکراه و اجبار به عنوان راهنما و جاسوس در عملیات نظامی بکار گرفته می‌شوند (Ibid: Paras.8-9).

حملات سازماندهی شده و عمدی به کودکان، مدارس و آموزگاران و ساختمان مدارس پدیده‌ای است که در برخی از درگیری‌ها مشاهده شده است. مدارس در افغانستان به‌ویژه مدارس دختران همچنان توسط طالبان به آتش کشیده می‌شود تا از ادامه تحصیل دختران جلوگیری شود و در عراق خشونت‌های فرقه‌ای از کودکان مدارس، قربانی می‌گیرد. در تایلند حملات به بیش از ۱۰۰ مدرسه و کشتن تعدادی از معلمان، به تعطیلی مدارس منجر شده است (Ibid: Paras.10-11).

گام‌های مثبتی از سوی دیوان بین‌المللی کیفری در اجرای عدالت و تعقیب یا محاکمه متهمان به سربازگیری اجباری کودکان زیر سن ۱۵ سال و مشارکت دادن آنان در جنگ، برداشته شد. تعقیب رهبر اتحاد ملی کونگولی در جمهوری دموکراتیک کنگو و پنج تن از اعضای ارشد «سپاه خداوند برای پایداری»^{۲۵} از جمله رهبر این جنبش «ژوزف کنی»^{۲۶} به اتهام ۳۳ مورد جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله سربازگیری اجباری کودکان و نیز محاکمه رئیس یک دولت یعنی «چارلز تیلور» در دادگاه ویژه سیرالئون به اتهام ۱۱ مورد جرائم جنگی و جنایت علیه بشریت از جمله سربازگیری کودکان و مشارکت دادن فعال کودکان در منازعات مسلحانه، پیام‌هایی جدی هستند که

اعلام می‌دارند جنایت علیه کودکان بی‌کیفر نخواهد ماند (Report 2007: Op cit, Para 12). این محاکمات از سوی دیگر از وجود وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان خبر می‌دهد. در کنار محاکمه و تعقیب، چاره‌جویی‌های پیشگیرانه نیز لازم و ضروری است.

بند دوم: وضعیت‌های خاص

علاوه بر نگرانی‌های کلی فوق، گزارش جدید به تفصیل به وضعیت سربازگیری و انواع خشونت علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه موجود در مناطق مختلف جهان پرداخته است.

افغانستان

وضعیت ناامن این کشور به دلیل درگیری میان نیروهای دولتی با طالبان از یکسو و حضور نیروهای خارجی به رهبری آمریکا و نیروهای ناتو از سوی دیگر، آثار ناگواری برای کودکان رقم زده است. اطلاعات کامل و درستی از طالبان در استفاده یا سوءاستفاده از کودکان در دست نیست؛ ولی این گروه در مواردی از کودکان برای عملیات انتحاری، که در نوع خود پدیده جدیدی است، علیه نیروهای خارجی و دولتی استفاده کرده است. همچنین پاره‌ای از عملیات نظامی علیه مدارس، توسط طالبان انجام گرفته است. در نیمه نخست سال ۲۰۰۷، رفتار خشونت‌آمیز شورشیان به کشته شدن ۹۵۰ غیر نظامی منجر شد که دست کم ۴۹ کشته و ۱۹ مجروح، کودک بودند. عملیات هوایی نیروهای خارجی در این کشور نیز از کودکان قربانی می‌گیرد. در عملیات ۹ مارس ۲۰۰۷، چهار نفر از میان ۹ غیر نظامی کشته شده کودک بودند. همچنین ۶۰ درصد قربانیان ناشی از انفجار بقایای مواد منفجر نشده در افغانستان، کودکان اند (Report 2007, Paras. 19-23).

عراق

با وضعیت کنونی امنیت در عراق، دستیابی به اطلاعات و آمار دقیق خشونت علیه کودکان در این کشور دشوار است؛ ولی روشن است این وضعیت ناامن چه رنج‌ها و مصائبی بر کودکان عراقی تحمیل می‌کند. منابع و آمارهای مقامات دولتی و ملل متحد حاکی از آن است که نیمی از پناهندگان عراقی در خارج از کشور و حدود ۳۸ تا ۴۰ درصد در داخل را کودکان تشکیل می‌دهند. در این کشور، گروه‌های وابسته به القاعده از کودکان در عملیات انتحاری با اتومبیل استفاده می‌کنند. عملیات ۲۱ مارس ۲۰۰۷، که طی آن اتومبیل حامل مواد منفجره از محل بازرسی نیروهای چند

ملیتی عبور داده شد، توسط دو کودک انجام گرفت و آن دو کشته شدند. تا اوت ۲۰۰۷، حدود ۸۰۰ کودک بین ۱۲ تا ۱۷ سال، در بازداشت نیروهای چند ملیتی بودند که در عملیات مسلحانه شرکت داشتند و ۳۰ تن از آنان خود به هدایت عملیات می پرداختند. تعدادی از کودکان، قربانی بازرسی‌های منازل و حملات هوایی نیروهای چند ملیتی هستند. خشونت‌های قبیله‌ای نیز در جای خود، قربانیان بسیاری از کودکان گرفته است. نظام آموزشی پس از حمله به حرم امام حسن عسکری (ع) و بالا گرفتن خشونت‌های قبیله‌ای، آسیب دید و حملات بسیاری علیه مدارس و آموزگاران انجام گرفت. بنا به گزارش یونیسف ۳۰ درصد کودکان عراقی اکنون به مدرسه نمی‌روند. همانند افغانستان برخی از این حملات به مدارس از این رو انجام می‌گیرد که در این مدارس، مبانی لائیک آموزش داده می‌شود. در مواردی نیروهای چند ملیتی به مدارس هجوم برده‌اند (Ibid:Paras.52-57).

لبنان

در لبنان، گزارشی از سربازگیری توسط نیروهای دولتی یا گروه حزب الله گزارش نشده است ولی در اردوگاه «نهرالبارد» که گروه‌های وابسته به القاعده با ارتش لبنان درگیر شدند؛ به مجروح شدن ۲۰۰ کودک انجامیده است.

استفاده گسترده اسرائیل از بمب‌های خوشه‌ای در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله، باعث رهاشدن مواد منفجره در جنوب لبنان شده است که تهدیدی علیه کودکان بوده و از آنان قربانی می‌گیرد. با وجود این قربانیان، هنوز اسرائیل از ارائه هرگونه اطلاعات در باره کاربرد انواع این بمب و مکان‌های ریخته شدن آن خودداری می‌کند (Ibid:Paras.59-61).

فلسطین اشغالی و اسرائیل

وضعیت کودکان در فلسطین اشغالی و بیت‌المقدس شرقی همچنان مخاطره‌آمیز است. علاوه بر حملات اسرائیل، وجود درگیری‌های داخلی میان گروه‌های فلسطینی بر وضعیت مخاطره‌آمیز علیه کودکان افزوده است. از ۱۰۶ فلسطینی کشته شده در سرزمین‌های اشغالی ۵۸ درصد توسط نیروهای دفاع اسرائیل کشته شدند که ۷۴ درصد ناشی از حملات اسرائیل به بخش غزه بوده است. فقط از اول تا هفتم نوامبر ۲۰۰۶، هشت کودک در عملیات موسوم به «ابراهیم پاییز» در بیت حانون کشته شدند. ۲۴ درصد از کودکان کشته شده به علت درگیری میان گروه‌های فلسطینی بوده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که اسرائیل از کودکان فلسطینی بازداشت شده، به عنوان

همکار در داخل زندان‌ها و پس از آزادی آنان استفاده می‌کند. در مواردی سربازان اسرائیلی آنان را سپر خود در بازرسی منازل قرار دادند و یا به هنگام پرتاب سنگ آنان را در جلوی اتومبیل‌های جیب خود نشانده‌اند. ربودن کودکان فلسطینی، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها با استفاده از گاز اشک‌آور و بمب‌های صاعقه نیز گزارش شده است. حدود ۳۶۱ تا ۴۱۶ کودک در بازداشتگاه‌های اسرائیل به سر می‌برند که برخی از آنان ۱۲ سال سن دارند و بیشتر آنان دختر هستند. تعدادی از آنان بدون هیچ اتهامی در بازداشت به سر می‌برند. بازداشت شدگان مورد آزار جسمی و روحی قرار گرفته و به خشونت‌های جنسی تهدید می‌شوند. انتقال زندانیان فلسطینی به صورت منظم از سرزمین‌های اشغالی خود نقض کنوانسیون چهارم ژنو است. ساخت دیوار در فلسطین اشغالی همچنان تأثیرات خود را بر کودکان تشدید نموده و بر فقر آنان افزوده است. تخریب بناها، زیان‌های بسیاری را متوجه فلسطینیان کرده که بیشتر زیان‌دیدگان کودکان‌اند. منع عبور و مرور از محل‌های بازرسی یا تأخیرهای عمدی، امکان دسترسی به مراکز بهداشتی و خدمات پزشکی را به‌ویژه برای کودکان دشوار کرده و تهدید جدی برای سلامت جسمی آنان است (Ibid:Paras.78-87).

سودان

اجازه حضور نیروهای سازمان ملل و یونیسف در جنوب سودان، تا حدودی، به بهبود اوضاع کمک کرده است و قوانینی در جرم‌انگاری سربازگیری وضع شده و در ترخیص سربازان کودک، تمهیداتی در نظر گرفته شده است. علی‌رغم این پیشرفت‌ها، هنوز هزاران سرباز کودک در سربازخانه‌ها باقی مانده‌اند و برخی از ترخیص‌شدگان به دلیل ناکارآمدی ساز و کارهای پیش‌بینی شده دوباره به اردوگاه‌های نظامی بازگشته‌اند. از سال ۲۰۰۶ به این سو، بسیاری از کودکان در درگیری‌های مسلحانه میان ارتش ملی آزادی‌بخش سودان و نیروهای مسلح دولتی جان باختند، نیروهای ارتش ملی در مواردی دست به حمله علیه مدارس زده است و تجاوز و خشونت جنسی به عنوان یکی از روش‌های جنگ به‌ویژه علیه دختران گزارش می‌شود (Ibid:Paras.94-103).

دیگر کشورها

در بروندی، به دلیل منازعات سیاسی میان حکومت و نیروهای آزادی‌بخش ملی، کودکان به گروه‌های معارض می‌پیوندند. علاوه بر سربازگیری از کودکان، تجاوز و خشونت‌های جنسی علیه کودکان گزارش شده که ۸۰ درصد آن، علیه دختران بوده است (Ibid:Paras.24 and 27). در

جمهوری آفریقای مرکزی، هر چند برنامه عمل سه جانبه میان حکومت، نیروهای متحد دموکراتیک و یونسف، به ترخیص تعداد زیادی از سربازان کودک انجامید؛ ولی در مواردی، از آنان برای پشتیبانی و تدارکات نیز استفاده می‌شود. حملات انتقام‌جویانه نیروهای مسلح دولتی به روستاهایی که گمان همکاری آنان با شورشیان وجود دارد، به تخریب و آتش‌سوزی کامل یا جزئی ۱۳۸۹ مسکن، ۷ مدرسه و ۳ مرکز بهداشتی به طور کامل یا جزئی منجر شده است. سربازگیری اجباری از کودکان در جمهوری دموکراتیک کنگو، (Ibid: Paras.29,31, 38). به تعطیلی مدارس انجامیده است در هائیتی، تعدد گروه‌های مسلح درگیر، توجه مسئولیت به هر یک از این گروه‌های مسلح را دشوار کرده است؛ ولی گزارش‌ها حاکی از به کارگیری کودکان در حمل نامه، جمع‌آوری اطلاعات، حمل و نقل و پنهان کردن سلاح است. (Ibid: Paras.47-48). ربودن کودکان و خشونت‌های جنسی به‌ویژه علیه زنان و دختران نیز گزارش شده است.

در میانمار و نیپال، با وجود برخی پیشرفت‌ها، پدیده سربازگیری از کودکان زیر ۱۸ سال دیده می‌شود. در میانمار، برخی از گروه‌ها اجازه ندادند تا کمک‌های انسان‌دوستانه در اختیار کودکان قرار گیرد (Ibid:Paras.64-77).

گزارش‌ها در باره سومالی، حاکی از آن است که نیروهای اتحاد محاکم اسلامی و حکومت وحدت انتقالی به سربازگیری و استفاده از کودکان در منازعات مربوط به تسلط بر موگادیشو در دسامبر ۲۰۰۶، استفاده کردند. حدود ۳۵ در صد قربانیان غیر نظامی در این درگیری‌ها کودکان بودند. آوارگی‌های داخل کشور در مواردی با خود، خشونت‌های جنسی علیه زنان و دختر بچه‌ها را به همراه داشته است. حملات به مدارس نیز از سوی نیروهای حکومتی صورت گرفته و انفجار مین‌ها و مواد منفجر نشده به کشته شدن و جراحت کودکان منجر شده است. (Ibid:Paras.88-92) در چاد و کلمبیا، سربازگیری، انفجار مواد منفجره و مین‌های زمینی، اعدام خودسرانه، سوءاستفاده و تجاوز جنسی کودکان را تهدید می‌کند. (Ibid:Paras.107-120) درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح غیر دولتی در فیلیپین به‌ویژه در «میدانا او» وجود دارد. با وجود آتش بس سال ۱۹۹۶، میان جبهه اسلامی مورو و دولت فیلیپین، درگیری‌ها در مواردی، گسترده بود. قرآینی وجود دارد که احتمال استفاده از کودکان در جبهه اسلامی مورو و گروه ابوسیف وجود دارد ولی اطلاعات درستی در این باره در دست نیست. (Ibid:Paras.121-123) گزارش‌ها در مورد سریلانکا، از اول اکتبر ۲۰۰۶ تا ۳۱ اوت ۲۰۰۷، حاکی از آن است که با تلاش و همت

یونیسف تعداد قابل توجهی از کودکان سرباز که در اختیار سازمان «نامور تامیل» بودند، به خانواده بازگشتند. در این مدت ۱۱ ماهه، در خلال درگیری‌ها، ۴۶ کودک کشته و ۷۹ تن از آنان زخمی شدند. حملات هوایی توسط ارتش سریلانکا و نیز حملات سازمان «نامور تامیل» باعث تخریب مدارس و کشته شدن دانش آموزان و معلمان شده است. همچنین در اوگاندا، مواردی از تجاوز و خشونت‌های جنسی علیه دختران از سوی نیروهای دفاع ملی یا واحدهای دفاع محلی، اشغال مدارس و تبدیل آن به مراکز آموزش نظامی گزارش شده است. (Ibid: Paras. 126-135)

بند سوم: خشونت علیه کودکان از سوی نیروهای حافظ صلح و کارمندان ملل متحد آنچه تاکنون آمد، رعایت و یا نقض حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه از سوی دولت‌ها، گروه‌های مسلح وابسته به دولت و یا گروه‌های مسلح غیردولتی است. اما خشونت‌ها و سوءاستفاده‌های رو به افزایش علیه کودکان، از سوی نیروهای سازمان‌های بین‌المللی و نیروهای ملل متحد را نباید نادیده گرفت. تا ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷، سازمان ملل متحد ۱۸ عملیات حفظ صلح را در سراسر جهان مدیریت می‌کند و شکایت‌هایی مبنی بر بهره‌کشی از کودکان و خشونت جنسی علیه آنان دریافت شده است. از ۳۷۱ شکایت سال ۲۰۰۶، تعداد ۳۵۷ مورد آن به سوءاستفاده و خشونت جنسی مربوط بود که نسبت به سال پیش از آن، ۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. در نیمه اول سال ۲۰۰۷، «دفتر خدمات نظارت داخلی»^{۲۷} تعداد ۷۲ شکایت از بهره‌کشی و خشونت جنسی از سوی حافظان صلح دریافت کرده است که برخی از آنان نسبت به کودکان بوده است. پس از تحقیقات انجام یافته، مرتکبان خشونت از خدمت منفصل و یا به کشور خود بازگردانده شدند. (Report 2007: Op cit, Para. 139)

آنچه در پایان دادن به این نوع خشونت‌ها ضروری است، اتخاذ یک سیاست جامع از سوی ملل متحد و حمایت از قربانیان است. از حافظان صلح بیش از دیگران انتظار می‌رود که حقوق کودکان را رعایت کنند. هر چند کنفرانس دسامبر ۲۰۰۶، با مشارکت اداره عملیات حفظ صلح، دفتر هماهنگی امور انسانی، برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) و یونیسف بیانیه‌ای در باره اصول مبارزه با بهره‌کشی و خشونت جنسی و سوءاستفاده از کودکان توسط نیروهای حافظ صلح صادر کرد، ولی اینگونه تمهیدات توصیه‌ای نمی‌تواند مانعی جدی در برابر سوءاستفاده کنندگان و مرتکبان این اعمال باشد. زیرا بیشتر نیروهای حافظ صلح سربازان دول قدرتمند و یا تحت پشتیبانی آنها هستند. برای جلوگیری این‌گونه بهره‌کشی، جدیت بیشتری لازم است. مجمع عمومی

ملل متحد به اتفاق آراء، توصیه‌هایی صادر کرده است که در یادداشت تفاهم ملل متحد با دولت‌هایی که در عملیات صلح با سازمان همکاری می‌کنند گنجانده شود.^{۲۸}

ساز و کارهای پیش بینی شده: قطعنامه‌های شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه ۱۶۱۲ سال ۲۰۰۵، «مکانیسم نظارت و گزارش دهی»^{۲۹} را درباره نقض حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه ایجاد کرده و در دستور کار آن شورا قرار داده است. این ساز و کار به نوبه خود در شناسایی روشمند شش نوع نقض شدید حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و شناسایی هویت نقض کنندگان بی‌تأثیر نبوده است. این روش، علاوه بر تاثیرات بازدارندگی خود، به افزایش سطح آگاهی‌های بین‌المللی در موضوع حقوق کودکان و مخاصمات مسلحانه کمک کرده است. (Report 2007: Op cit, Paras.145-146) ولی در خصوص مرتکبان خشونت علیه کودکان به فشار و جدیت بیشتری نیاز است. افزون بر این، باید تمهیداتی در حمایت از زیاندیدگان و قربانیان این گونه رفتارها اندیشید. کودکان پس از بازگشت به خانواده و در رسیدن به وضعیت عادی با دیگران در اجتماع، به کمک‌های بیشتری نیاز دارند. تجربه نشان می‌دهد چنانچه ترخیص کودکان از سربازی با حمایت‌های روشمند و هدفمند بعدی همراه نباشد، تضمینی وجود ندارد که دوباره به سربازخانه‌ها باز نگردند.

بند چهارم: خشونت علیه دختران و زنان

در جریان منازعات مسلحانه و نا امنی ناشی از این درگیری‌ها زنان و دختران در معرض تهدیدات تجاوز به عنف، بهره‌کشی جنسی، قاچاق، تحقیر جنسی و قطع عضو قرار می‌گیرند. تجاوز و خشونت علیه زنان و کودکان در برخی از درگیری‌ها به یک استراتژی تبدیل شده است. تحقیقات مربوط به درگیری‌های ۱۹۹۴ رواندا، حاکی از آن است که بیشتر افراد خانوادگی زیر ۱۲ سال، قتل عام شده و یا مورد تجاوز قرار گرفتند^{۳۰} و نزدیک به ۲۰۰۰۰ نفر در خشونت‌های مربوط به یوگوسلاوی سابق نیز از این تعرض در امان نبودند. (Graca Machel: Op cit, Para.103)

با اینکه این خشونت آثار روانی شدیدی در آینده و پیشرفت زندگی قربانیان به جای می‌گذارد ولی جامعه بین‌المللی در واکنش به این پدیده در جنگ‌ها و درگیری‌ها و حمایت از قربانیان این گونه رفتارها، اهمیت لازم را به عمل نیاورده است. (Mitchell, 2005: Pp 222-223; Machel: Op cit, Para.91) در سال‌های اخیر و تحت فشار نهادهای مردم نهاد، برخی از جنایت‌کاران جنگی در

دادگاه‌های سیرالئون و یوگوسلاوی سابق، به دست عدالت سپرده شدند؛ و حتی در نظر برخی از نویسندگان، ممنوعیت تجاوز به عنف در مخاصمات مسلحانه در حد یک «قاعده آمره» رسیده است. با این وجود، آنچه در زندان‌های ابوغریب در بغداد^{۳۱} روی داده و یا توسط نیروهای حافظ صلح و سربازان دول قدرتمند صورت می‌گیرد اگر نگوییم هیچ، ولی کمتر به گوش می‌رسد که آنان به دست عدالت سپرده شدند. مبارزه با این پدیده در جنگ‌ها و درگیری‌ها و حمایت بیشتر از حقوق زنان و کودکان به عطف توجه بیشتر جامعه بین‌المللی نیاز دارد.

گفتار سوم: رهیافت اسلامی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

بند اول: حمایت عام

تردید نیست اصول انسانیت و اخلاق دو اصل بنیادین در آموزه‌های دینی است که در همه حال حتی در مخاصمات رعایت کردن آنها الزامی است. افزون بر این، مفهوم اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان و اهداف نظامی و غیر نظامی ریشه در آیات قرآن کریم و سنت نبوی (ص) دارد. (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۶۳-۴۶۶)

از آنچه مفسران در تفسیر آیه ۱۹۰ سوره بقره آورده‌اند به صراحت می‌توان مفهوم تفکیک را یافت. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»، با کسانی که با شما آغاز جنگ می‌کنند نبرد کنید و از حد بیرون نروید که خداوند تجاوزگران را دوست ندارد (بقره: ۱۹۰). از تفسیری که مفسران در باره این آیه می‌گویند می‌توان سه پیام زیر را دریافت کرد:

- ۱- کسانی که با شما سر جنگ ندارند با آنان آغاز به جنگ نکنید؛
- ۲- از حدود مقرر در جنگ و جهاد خارج مشوید و حقوق در جنگ را رعایت کنید؛
- ۳- زنان، کودکان و سالخورده‌گان را در جنگ هدف قرار ندهید.

مفهوم حقوقی این آیه در حوزه جنگ به صراحت از سوی دولت اسلامی در سال‌های آغازین قرن هشتم میلادی اعلام شده است. وقتی از عمر بن عبدالعزیز، والی اموی (سال‌های حکومت ۷۱۷-۷۲۰ میلادی) پرسیدند: «مقصود این آیه چیست؟» پاسخ نوشت: «مقصود آیه آن است که در جنگ تعرض به کودکان، زنان و کسانی که با مسلمانان نمی‌جنگند، ممنوع است». (ابوالفتوح رازی، بی تا: ۳۰۶-۳۱۲؛ السیوری، ۱۴۲۴: ۳۱۶) به اجماع فقهای اسلام، زنان و کودکان از تعرض مصون‌اند و مستند فتوای فقیهان، سنت قولی و عملی پیامبر(ص) و جانشینان پس از آن حضرت است. همچنین به نظر بسیاری از

مفسران، کشتن کودکان از مصادیق اعتداء و خروج از حد است که در آیه مزبور از آن نهی شده است. هرچند به نظر بسیاری از فقیهان اهل سنت و برخی از فقیهان مذهب جعفری، چنانچه کودکان در جنگ مشارکت کنند رزمنده محسوب می‌شوند، اما به نظر اکثر فقیهان جعفری، کشتن زنان و کودکان مطلقاً ممنوع است حتی اگر در جنگ مشارکت کنند. (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۱۳) آنان تصریح می‌کنند: «کشتن زنان و کودکان در جنگ جایز نیست، حتی اگر زنان با مسلمانان جنگ کنند و به شوهران خود یا مردان جنگی در نبرد کمک رسانند مگر ناچار شوند».^{۳۲} در برداشتی دیگر زنان، کودکان، پیران و روحانیان چون معمولاً در جنگ شرکت ندارند هدف حمله قرار نمی‌گیرند، ولی اگر در جنگ شرکت کنند یا در تنظیم و عملیات جنگی مشارکت داشته باشند، رزمنده محسوب می‌شوند. (علامه حلی، ۱۴۱۹: ج ۹/۶۴) متون بسیاری در فقه اسلام بر اینکه کشتن کودکان در جنگ ممنوع است صراحت دارند. زیرا تعرض به آنان در سرنوشت جنگ تاثیری ندارد. (علامه حلی، ۱۴۱۹: ج ۹/۷۴؛ النجفی، ۱۳۹۲: ج ۲۱/۶۸) همچنین کشتن کودکان پس از اسارت نیز ممنوع است حتی اگر به عنوان رزمنده در جنگ مشارکت مستقیم داشته‌اند؛ زیرا آنانکه در حال جنگ، کشتن آنان ممنوع است پس از جنگ نیز به طریق اولی ممنوع است. (الزحیلی و هبه، ۲۰۰۲: ج ۸/۵۸۵۶)

بند دوم: حمایت خاص از کودکان در متون اسلامی

روایات متعددی از طریق سنی و شیعه در ممنوعیت تعرض به کودکان در جنگ آمده است. روایان به صراحت نقل می‌کنند که پیامبر (ص) از کشتن کودکان نهی فرمودند (الزحیلی و هبه، همان؛ علامه حلی، ۱۴۱۹: ج ۹/۶۴).^{۳۳} آن حضرت هرگاه گروهی را برای مراقبت‌های نظامی (سریه) می‌فرستاد آنان را در برابر خود می‌نشاند و می‌فرمود: «...سالخوردگان، زنان و کودکان را مکشید...». (علامه حلی، همان: ص ۶۳؛ الحر العاملی، ۱۴۱۲: ج ۱۵/۵۸ / ۱۹۹۸۵) هر چند در زبان روایات از مصداق کامل تعرض یعنی کشتن کودکان نهی شده است روشن است که مقصود، رعایت حق حیات آنان و عدم خشونت است. صاحب جواهر، فقیه برجسته شیعی، پس از نقل این حدیث پیامبر (ص) که فرمود: «... پیران و کودکان را زنده نگه دارید»^{۳۴} (النجفی، ۱۳۹۲: ج ۲۱/۷۴) می‌افزاید مقصود «استبقاء» آنان است.^{۳۵} این واژه در ادبیات تازی به معنی حفظ و نگهداری برای تداوم زندگی است. بنابراین تردیدی نیست که در آموزه‌های اسلام نقص عضو، ربودن، تعرض جنسی و مانند آن با آموزه‌های اسلام و بلکه هر دین ناسازگار است. در متون فقهی تصریح شده است: «حتی اگر دشمن از جرائم

عفافی و تجاوز جنسی به عنوان یک روش جنگی علیه مسلمانان استفاده کند مسلمانان در پاسخ نمی‌توانند از این روش استفاده کنند» چه اسلام دین اخلاق و انسانیت است و این رفتارها با آموزه‌های اخلاقی اسلام ناسازگار است. البته در صورت دسترسی به مرتکبان این جنایات آنان محاکمه و مجازات می‌شوند. (العاملی، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۹: ۴۰) این دسته از محرمات. از آن رو پاسخ داده نمی‌شوند که اولاً؛ در سرنوشت جنگ هیچ تأثیری نداشته و به پیروزی نیز کمک نمی‌کنند؛ ثانیاً؛ از کینه توزی، انتقام و تشفی خاطر غیرانسانی مرتکبان خبر می‌دهد. همچنین دلیل خاص و فتوی بر ممنوعیت مثله کردن بدن دشمن است حتی اگر آنان با مسلمانان چنین کنند. زیرا از این عمل نفرت انگیز در اسلام حتی نسبت به حیوانات نهی شده است. (النجفی، ۱۳۹۲: ج ۷۸/۲۱)

به طور کلی، در نظر فقیهان شیعه مسائل جنگ و صلح و روابط بین‌الملل از اختیارات و وظایف بالاترین مقام صلاحیت‌دار حکومت اسلامی (امام) یا (نائب) جایگزین اوست. زیرا چنین اموری به مساعدت، همکاری، توانایی و تدبیر، ملاحظه منفعت عمومی و شرایط زمان نیاز دارد که در سطح عالی مقامات سنجیده و اتخاذ می‌شود.^{۳۶} شاید به همین دلیل برخی از فقیهان شیعه جز در سطوری چند در باب جنگ و جهاد سخن نگفته‌اند؛^{۳۷} زیرا بر این ایده بودند این مباحث تابع رفتار دشمن و شرایط زمان است و حاکم اسلامی به صلاحدید خود به اداره جنگ و عملیات می‌پردازد. «اسکافی» (متوفی ۹۴۷ میلادی) می‌گوید: «چنانچه بر ترک جنگ (صلح) توافقی صورت گیرد رعایت آن بر دولت اسلامی واجب است». بلی، مواردی که این مقام به صلاح نمی‌داند، اختیار نقض را (حق شرط) برای خود محفوظ می‌دارد. (النجفی، ۱۳۹۲: ج ۲۱/۲۹۹ و ۳۰۱-۳۰۲)

بنابراین سربازگیری و مشارکت مستقیم کودکان در زیر سن بلوغ قرنهایست که از سوی فقیهان مسلمان ممنوع شده است: علامه حلی می‌گوید: «کودکان به این دلیل که ناتوان از جنگیدن هستند در مخاصمات شرکت نمی‌کنند». (علامه حلی، همان: ۲۵) سیره عملی پیامبر اسلام (ص) در جنگ احد، گواه است که آن حضرت از مشارکت دادن کودکان در جنگ نهی فرمودند؛ زیرا کودک ۱۴ ساله ای در این جنگ داوطلب نبرد شد، اما پیامبر «ص» اجازه مشارکت به وی ندادند. (همان: ۱۱) به هر روی اگر تحولات اجتماعی و شرایط زمان، سن ناتوانی را بالاتر منظور کند هیچ مانعی بر اساس برداشت فقیهان جعفری در برابر دولت اسلامی نیست تا تعهدی جدید، در حمایت بیشتر از کودکان در عرصه بین‌المللی بپذیرد چه چنین تعهدی همه کودکان جهان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان را در حمایت خود قرار می‌دهد.

با این تعهد دولت مکلف می‌گردد با وضع قوانین، سن سربازگیری اجباری و داوطلبانه را در مخاصمات تعیین نماید.

هر چند مقررات موجود حقوق بین‌الملل، سربازگیری زیر سن ۱۵ سال را ممنوع اعلام کرده است و از سن ۱۵ تا ۱۸ سالگی اولویت را به سن بالاتر می‌دهد، اما سربازگیری داوطلبانه نیز باید به طور روشن مشخص شود. در جمهوری اسلامی ایران دختران از سربازی معاف‌اند. قانونگذار ایران منفعت عالی زنان و دختران را در عدم احضار آنان به سربازی دانسته است اما پسران مطابق ماده ۲ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۶۳، از ۱۹ سالگی موظف به انجام خدمت وظیفه عمومی خواهند بود. بر این اساس تعارضی میان تعهدات بین‌المللی و داخلی ایران در این باره وجود ندارد. شاید به نظر رسد آموزش نظامی اعضا بسیج سپاه پاسداران، نوعی سربازگیری داوطلبانه شمرده شود؛ اما با مراجعه به قانون استخدام سپاه و بسیج می‌توان دریافت هدف این آموزش‌ها مشارکت دادن کودکان زیر سن بلوغ در مخاصمات نیست بلکه اولویت با سن بالاتر از ۱۶ سال پسران در فعالیت‌های غیر مستقیم است. البته تصریح به عدم مشارکت مستقیم کودکان زیر سن بلوغ، صراحت در حمایت از آنان در مخاصمات خواهد بود.^{۳۸}

بازگشت به خانواده

کودکان قربانی جنگ نیازمند حمایت ویژه هستند. از جمله مهم‌ترین حمایت از آنان، بازگشت به خانواده است. این حمایت، علاوه بر آنکه از مفهوم «استبقاء» برمی‌آید، نوعی همکاری بر نیکی و تقوی است که قرآن کریم بر آن تأکید فراوان نموده است (مائده: ۲).^{۳۹} چنانچه بازگرداندن کودکان قربانی جنگ، به خانواده‌های آنان ممکن نباشد، دولت اسلامی و مسلمانان در جست‌وجوی پناهگاهی امن برای آنان خواهند بود. به دلیل نیاز کودکان به محیط امن و عاطفی، کودکان ترجیحاً در پناه یک خانواده جایگزین، زندگی خواهند کرد. چنانچه این شرایط برای کودکان فراهم نگردد در آن صورت کودکان به مراکز بهزیستی سپرده می‌شوند. (جامعه‌الازهر- یونیسف، ۲۰۰۶: ۸۵-۸۴)

بدیهی است در این موارد لازم است نیازهای اساسی کودکان مانند تغذیه، پوشاک و خدمات بهداشتی و آموزشی تأمین گردد؛ به‌ویژه لازم است با مشارکت دادن آنان در برنامه‌های متنوع، از آسیب‌های جسمی و روحی وارده به آنان کاست. (همان: ص ۸۴)

چنانچه، دولت با انعقاد یک پیمان بین‌المللی بتواند کودکان سرزمین خود را از بلایای جنگ

دور سازد، این کار بر دولت اسلامی لازم خواهد بود. زیرا این معاهده تعهدات متقابلی فراهم می‌سازد که کودکان از صدمات جنگ دور بمانند. در این گونه معاهدات دولت‌ها متعهد خواهند بود کودکان را در جنگ مشارکت ندهند و چنانچه کودکان در جنگ آسیب دیدند، اقدامات حمایتی لازم از آنان تا بازگشت به خانواده معمول گردد.

بنابراین، بر افراد، نهادهای مردم‌نهاد و دولت لازم است در حد توان و امکانات از بروز خشونت علیه کودکان در مخاصمات جلوگیری نمایند. بر اساس آنچه فقیهان در حمایت از کودکان در مخاصمات آورده‌اند دولت اسلامی موظف می‌شود، کسانی که کودکان را در مخاصمات مشارکت می‌دهند و یا آن را هدف قرار می‌دهند به عنوان مجرمان جنگی تحت تعقیب قرار داده محاکمه و مجازات نمایند. (همان: ص ۸۵) چه دولت اسلامی به پروتکل الحاقی خاص حمایت از کودکان در مناقشات بپیوندد یا خیر، آموزه‌های اسلام از کودکان در مخاصمات پشتیبانی خواهد کرد.

سخن پایانی

مطابق جدیدترین گزارش ملل متحد شش مورد از موارد نقض شدید حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه عبارتند از: سربازگیری اجباری و مشارکت دادن مستقیم در درگیری‌ها؛ کشتن و نقص عضو؛ هجوم به مدارس و بیمارستان‌ها؛ ربودن، تجاوز و خشونت جنسی و محروم کردن کودکان از دسترسی به کمک‌های انسان دوستانه.

در حمایت بیشتر از کودکان و مبارزه با نقض حقوق آنان در مناقشات مسلحانه گام‌هایی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و از طرف دولت‌ها لازم است: ^{۴۰} هر یک از این نقض‌های شش‌گانه، برای کودکان مخاطره‌آمیز است و ترجیح یکی بر دیگری روا نیست. به عنوان مثال هر چند بر ممنوعیت سربازگیری اجباری تأکید بیشتری می‌شود، اما موارد پنجگانه دیگر در مخاطره علیه کودکان وزنی کمتر از سربازگیری ندارند. شورای امنیت باید به زیان‌دیدگان و قربانیان این گونه خشونت‌ها در هر نقطه از جهان به نحو مساوی و برابر توجه نماید و از رفتار گزینشی و معیارهای دو گانه خودداری کند. دولت‌ها، مرتکبان جرائم علیه کودکان را محاکمه، مجازات و از عفو و بی-کیفیری آنان بپرهیزند.

دول عضو کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، به پروتکل الحاقی خاص بکارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه بپیوندند، از حق شرط‌ها کم کنند و حق شرط‌های کلی را به طور مشخص تعیین و

اعلام دارند و با کمیته حقوق کودک در مبارزه با نقض حقوق کودکان در مخاصمات همکاری کنند. دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی در برابر بهره‌کشی و خشونت‌های جنسی علیه کودکان که توسط نیروهای ملل متحد و یا نیروهای چند ملیتی صورت گرفته، حساسیت بیشتری نشان داده و از مجامله و پنهان‌کاری بپرهیزند.

نقش رسانه‌های گروهی را در کاستن و گاه در ترویج خشونت علیه کودکان نمی‌توان نادیده گرفت. نهادهای مردم‌نهاد، آن دسته از رسانه‌ها را که در گزارش نقض حقوق کودکان در مخاصمات دست به گزینش می‌گزینند و برای آنها، منطقه درگیری و طرف‌های درگیر اهمیت دارد، در گزارشات خود منظور دارند.

تشویق به حذف سربازگیری از زنان و دختران در نیروهای مسلح ضمن کاستن از خشونت علیه زنان و دختران در جهت تأمین منفعت عالیه آنان است. توسعه آموزش و ارتقا سطح آگاهی‌ها به کودکان، والدین، نیروهای نظامی و انتظامی، آموزگاران، روحانیون، نهادهای مردم‌نهاد و نیروهای حافظ صلح درباره حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه و تلاش در تحقق برنامه عمل حمایت از کودکان از طریق خلع سلاح، ترخیص و بازگشت کودکان به خانواده و اجتماع،^{۴۱} گام‌هایی دیگر در حمایت بیشتر از کودکان است.

دولت‌های اسلامی که با تنظیم «کنوانسیون حقوق کودک در اسلام» توسط سازمان کنفرانس اسلامی در تعامل با جامعه بین‌المللی و حمایت از حقوق کودکان در حوزه حقوق بشر گام برداشته‌اند، در تصویب و الحاق آن نیز شتاب کنند.^{۴۲} یک شبکه نظارتی و گزارش‌دهی در سازمان کنفرانس اسلامی برای اجرای کنوانسیون مزبور پیش‌بینی کنند و کمک‌های فنی کمیته حقوق کودک را جلب کنند.

با وجود مقررات بسیار در حقوق بین‌الملل، همچنان شاهد مشارکت نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ سرباز کودک در سطح جهان و خشونت علیه آنان هستیم. آنان قربانیان رفتار بزرگسالان‌اند و همچون بردگان به فروش می‌رسند. این در حالی است که قواعد و مقررات در هر دو حوزه اسلام و حقوق بین‌الملل در حمایت از کودکان روشن و صریح است. اما میان حقوق در کاغذ و حقوق در عمل شکاف بسیار است باید در کم کردن این شکاف طرحی نو در انداخت. ما به احترام بیشتر به غیرنظامیان و جدا ساختن از نظامیان و رعایت اصل تفکیک نیاز داریم. رعایت همین اصل که در اسلام و حقوق بین‌الملل هر دو پذیرفته است می‌تواند ما را از هر قاعده دیگری بی‌نیاز کند. کودکان ما، به صلح بیش از جنگ و به نان، غذا، تحصیل و مسکن بیش از سلاح نیاز دارند. بهترین

منفعت کودکان و بزرگسالان جهان در کاستن از تسلیحات کوچک و بزرگ است. میان خلع سلاح و کاهش فقر با بازگشت پایدار و مطمئن کودکان به خانواده ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. بیشتر درگیری‌های کنونی در جهان در کشورهای توسعه نیافته انجام می‌گیرد و کودکان این کشورها، قربانیان خشونت در جنگ هستند. گزارش‌های مجامع بین‌المللی به طور شفاف از منابع تهیه سلاح و مداخلات بیگانگان در این خشونت‌ها سخن نمی‌گویند. اینجا است که حقوق بشر خود در مسلخ سیاست قربانی می‌شود. سرانجام این کودکان امروز هستند که جنگ، همه جوانب حال و آینده زندگی آنان را تهدید می‌کند. ما بزرگسالان باید به رسالت خود نسبت به آنان بیشتر اندیشه و چاره‌جویی کنیم.

به امید حمایت بیشتر از آسیب‌پذیران امروز و امیدهای فردا

یادداشت‌ها

- 1- http://www.unicef.org/protection/index_armedconflict.html, Visited: April 22, 2008.
- 2- Children and armed conflict, Report of the Secretary-General, A/62/609-S/2007/757, 21 December 2007.
- ۳- برای اطلاع بیشتر بنگرید: محمد رضا ضیائی بیگدلی: حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه) انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۰، صص ۱۲۸-۱۲۹؛ قواعد اساسی کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، مترجم: هاجر سیاه رستمی، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر، ۱۳۸۳، ص ۷ و ۵۳؛ Denise Plattner: Protection of Children in International Humanitarian Law, International Review of the Red Cross, No 240, 1984, p.140.
- ۴- ماده ۳۸ بند ۵ کنوانسیون چهارم.
- ۵- ماده ۷۷ بند ۳ پروتکل اول، ماده ۴ بند ۳ قسمت (د) پروتکل دوم.
- 6- Evacuation, Special zones.
 - ۷- مواد ۱۴، ۱۷، ۲۴ (۲) کنوانسیون چهارم.
 - ۸- همچنین بنگرید ماده ۷۶ بند ۵ کنوانسیون چهارم.
 - ۹- ماده ۱۳۲ بند ۲ کنوانسیون چهارم.
 - ۱۰- ماده ۷۸ پروتکل اول و ماده ۴ بند ۳ قسمت (ه) پروتکل دوم ۱۹۷۷ و در خصوص وظیفه دولت اشغالگر ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم.
 - ۱۱- مواد ۲۳ و ۲۴ (۱) و ۸۹ (۵) کنوانسیون چهارم.
 - ۱۲- ماده ۷۰ (۱) پروتکل اول ۱۹۷۷.
 - ۱۳- مواد ۲۴، ۲۶ کنوانسیون چهارم.

- ۱۴- ماده ۵۰ کنوانسیون چهارم.
- ۱۵- ماده ۸۲ و ۷۴ کنوانسیون چهارم، ماده ۴ بند ۳ قسمت ب پروتکل دوم.
- ۱۶- همچنین بنگرید: ماده ۵۰ و ۹۴ کنوانسیون چهارم، ماده ۷۸ (۲) پروتکل اول و ماده ۴ بند ۳ قسمت الف پروتکل دوم.
- ۱۷- مواد ۶۸ (۴) کنوانسیون چهارم، ۷۷ (۵) و ۷۶ (۳) پروتکل اول و ماده ۶ (۴) پروتکل دوم.
- 18- (A/RES/51/77)
- 19- Olara A. Otunnu.
- 20- S/RES/1261 (1999) 30 August 1999, Para.1.
- ۲۱- این مقاله نامه با استقبال و تصویب بسیاری از کشورها مواجه شد و ایران نیز در سال ۱۳۸۱ به آن پیوست.
- 22-S/RES/1314 (2000) 11 August 2000. Para 9.
- 23- S/RES/1379 (2001) 20 November 2001, Para.16.
- 24- A/51/306, 26 August 1996.
- ۲۵- برای آشنایی بیشتر با این گروه «سپاه خداوند برای پایداری» (Lord's Resistance Army (LRA)) همچنین بنگرید: رضا سادات (ترجمه)، «آرامش برای کودکان جنگ»، نشریه همشهری، ۱۳۸۶/۳/۲.
- 26- Joseph Kony.
- 27- Office of Internal Oversight Services (OIOS)
- 28- A/61/19 (Part III) / Report 2007: Op cit, Para 137-143
- 29- Monitoring and Reporting Mechanism(MRM)
- 30- http://www.unicef.org/protection/index_armedconflict.html
- 31- (Mitchell: Op cit, p.219 and Seymour M. Hersh: Torture at Abu Ghraib, The NEW YORKER, May 10, 2004, at 42, 43-44)
- ۳۲- «ان رسول الله (ص) نهی عن قتل النساء و الولدان الا ان یقاتلن فان قاتلن ایضا فامسک عنها ما أمکنک» (الحر العاملی: وسایل الشیعة الی تحصیل مسایل الشریعة، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۶۴ حدیث ۱۹۹۹۳ و نیز بنگرید: الطوسی: النهایة، مندرج در مجموعه «الجوامع الفقهیة»، منشورات مکتبه ایه الله مرعشی، بی تا، ص ۲۸۲/التجفی الشیخ محمد حسن: جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیة، الطبعة السابعة، ۱۳۹۲ الهجریة، ج ۲۱، ص ۷۳.
- ۳۳- «لا تقتلوا امرأة و لا ولیداً»
- ۳۴- «و استحبوا شیوخهم و صبیانهم» علی معنی استیقائهم ..
- ۳۵- در برخی از مصادر آمده است که پیامبر(ص) در شرایط مناقشه فرموده است «و استحبوا شرحهم» یعنی جوانان آنان را باقی گذارید. الطبرسی ابو علی: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۴. به نظر لغت شناسان متون روایی «شرح» کسانی هستند که نزدیک سن بلوغ اند و عنفوان جوانی و قدرت آنها فرا رسیده است همچنین این واژه را به معنی «خفیف» یعنی آسیب پذیر نیز دانسته اند. ابن سلام: غریب الحدیث، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۶، ج ۳، ص ۱۶/الزبیدی: تاج العروس، المکتبه الحیة، بیروت، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۰۵ / ابن اثیر: النهایة فی غریب الحدیث، مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۴۵۶
- ۳۶- به عنوان نمونه بنگرید: العلامة الحلی: پیشین، ج ۹، صص ۱۳-۱۴ و ۵۷ و ۳۵۲-۳۵۴: الحر العاملی، الشیخ محمد ابن الحسن: وسایل الشیعة (آل البیت) ج ۱۵، حدیث ۱۹۹۵۴ تا ۱۹۹۶۳ و ۱۹۹۲۴: التجفی: جواهر الکلام، پیشین،

- ج ۲۱، ص ۱۱؛ اردبیلی: زیده البیان فی احکام القرآن، المكتبة المرتضوية، بی تا، ص ۳۱۰.
- ۳۷- از آن جمله اند: فیض کاشانی در کتاب شافی و مقدس اردبیلی در زیده البیان. بنگرید: صالحی نجف آبادی، نعمت الله؛ جهاد در اسلام، نشر نی، ۱۳۸۲، ص ۶۶.
- ۳۸- ر.ک: مصفا نسربین (زیر نظر) و همکاران: کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۱۴
- ۳۹- «و تعاونوا علی البر و التقوی»
- ۴۰- برخی از این پیشنهادها در میان بندهای ۱۵۹-۱۷۱ گزارش جدید ملل متحد نیز آمده است.
- 41- Disarmament, Demobilization and Reintegration Processes (DDR Processes)
- ۴۲- این کنوانسیون در ژوئن ۲۰۰۵ به تصویب کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی رسید و در مواد ۱۷ (بند ۵) و ۲۱ به حقوق کودکان در مخاصمات اشاره دارد. برای آشنایی با این کنوانسیون و میزان تاثیر آن در حمایت از کودکان در مناقشات مسلحانه بنگرید: مصفا، نسربین: میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین المللی، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بشر دوستانه بین المللی، صص ۵۱۳-۵۳۱.

منابع

فارسی

- سیاه رستمی، هاجر (مترجم)، قواعد اساسی کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ و پروتکلهای الحاقی ۱۹۷۷، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر، ۱۳۸۳.
- صالحی نجف آبادی، نعمت الله، جهاد در اسلام، نشر نی، ۱۳۸۲.
- ضیائی یگدلی، محمدرضا، حقوق جنگ (حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه)، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- قربان نیا، ناصر، «حمایت از انسان و انسانیت پایه نهایی تعهد در نظام بین الملل حقوق بشر دوستانه»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر و ICRC، ۱۳۸۶.
- کنعانی، محمد طاهر؛ رستمی، هاجر سیاه؛ حسین نژاد، کنایون، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه: حقوق بین الملل بشر دوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیرهای مسلحانه، مجموعه اسناد ژنو، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
- محقق داماد، سیدمصطفی، حقوق بشر دوستانه بین المللی رهیافت اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- مروت، مجتبی، «حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- مصفا، نسربین، «میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر دوستانه بین المللی»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین المللی بشر دوستانه، جمعیت هلال احمر و ICRC، ۱۳۸۶.

عربى

ابوالفتوح رازى: تفسير روض الجنان و روح الجنان، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم. بى تا.
 الاردبيلى، احمد بن محمد (مقدس اردبيلى)، زبدة البيان فى احكام القرآن، المكتبة المرتضوية، بى تا.
 الحر العاملى، الشيخ محمد بن الحسن، وسایل الشيعة الى تحصيل مسايل الشريعة، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، ١٤١٢.
 الحللى، حسن ابن يوسف (علامه حللى)، تذكرة الفقهاء، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، قم، ١٤١٩، ج ٩.
 جامعة الأزهر بالتعاون مع منظمة الامم المتحدة (يونيسف)، الاطفال فى الاسلام رعايتهم و نموهم و حمايتهم،
 جامعة الأزهر - يونيسف، ٢٠٠٦.

الزحيلي وهبه: الفقه الاسلامى وادلتها، دارالفكر المعاصر، بيروت، ٢٠٠٢.

السيورى، فاضل مقداد، كنز العرفان فى فقه القرآن، نشر نويد اسلام، چاپ دوم، ١٤٢٤.

العاملى، جعفر مرتضى، الإسلام و مبدأ المقابلة بالمثل، الوكالة العالمية للطباعة و النشر، الطبعة الأولى،
 ١٤٠٩هـ - ١٩٨٩.

الطبرسى، ابو على، مجمع البيان فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، مؤسسة الاعلمى، بيروت، ١٤١٥.

النجفى، الشيخ محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام، دارالكتب الاسلامية، الطبعة السابعة، ١٣٩٢ الهجرية، ج ٢١.

English:

Mitchell, David. S, The Prohibition of Rape in International Humanitarian Law as a Norm of Jus Cogens: Clarifying the Doctrine, Duke Journal of Comparative and International Law, Vol. 15, No.219, 2005.

Plattner, Denise, Protection of Children in International Humanitarian Law, International Review of the Red Cross, No 240, 1984.

Report of the expert of the Secretary-General, Ms. Grac'a Machel, submitted pursuant to General Assembly Resolution 48/157, Entitled: Impact of armed conflict on children A/51/306, 26 August 1996.

Report of the Secretary-General: Children and armed conflict, General Assembly Sixty-second session, Promotion and protection of the rights of children, Security Council Sixty-second year, 21 December 2007. (A/62/609-S/2007/757)

Hodgkin, Rachel & Newell, Peter, Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child, prepared for UNICEF, 2002.

Harvey, Rachel, Children and Armed Conflict: A guide to international humanitarian and human rights law, the International Bureau for Children's Rights, Essex University.2003,

Other:

http://www.unicef.org/protection/index_armedconflict.html

(A/RES/51/77)

S/RES/1261 (1999) 30 August 1999

S/RES/1314 (2000) 11 August 2000

S/RES/1379 (2001) 20 November 2001